



این همه روایت، مثل و شعر عربی که در بند قبل به‌بخش اندکی از آن اشاره شد، همراه با ظرائف، دقائق، جزئیات و ریزه‌کاری‌های بسیار در ذهن راوی است، آن‌هم به این صورت که راوی اول^(۱)، آن را پس از ۵۰ سال در دوران کهولت و سالخوردگی بدون آنکه از نوشته و یادداشتی بهره گیرد و فقط با اتکا بر آنچه در حافظه داشته و ظاهراً بدون آنکه روزی یا هفته‌ای یا لاقلاً ماهی یک‌مرتبه به‌مرور تمرین روی این متن طولانی و مفصل کرده باشد تا آن را فراموش نکند؛ برای راوی دوم^(۲) نقل کرده است و راوی دوم هم پس از گذشت ۴۰ سال از شنیدن نقل راوی نخست و بعد از آنکه به‌تصریح خود آن را فراموش کرده بوده، به نقل و روایت آن البته بازم با تکیه بر حافظه‌اش و نه براساس یادداشت‌ها و نوشتارهایش، پرداخته است!

واقعا چنین قدرت ذهن و حافظه ادعا شده‌ای در نوع بنی آدم کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر است و باید در کتاب رکوردهای تاریخ بشر - نه فقط بشر معاصر - ثبت شود.

۷. از جمله نکات آزادکننده و تردیدآفرین در این متن، ادبیات، کلمات و تعبیر به‌کار گرفته شده و کیفیت عبارت‌پردازی‌ها در آن است که به‌لحاظ سبک‌شناسی ادبی هیچ شباهتی با سایر آثار و مطالب به‌جای مانده از آخوند خراسانی ندارد. اهل تتبع و پژوهش می‌دانند که افزون بر کتب عربی تعدادی نوشته فارسی نیز از جناب آخوند باقی مانده است؛ متونی همچون کتاب «ذخیره العباد لیوم المعاد» که رساله عملیه ایشان به زبان فارسی بوده و چند متن تلگراف از سوی ایشان و... لذا فقط کافی است متن گزارش ادعایی از گفت‌وگوی آخوند با این متون مقایسه شود تا روشن شود تفاوت از کجا تا به کجاست.

گرچه اگر این متون فارسی نیز از آخوند به‌جای نمانده بود، مقایسه متن این گزارش با نوشته‌ها و گفته‌های حکایت‌شده از آن دوره که در اسناد معتبر و غیرقابل‌خدشه آمده‌اند، به‌وضوح نشانگر عدم تناسب ادبیات این گزارش با ادبیات گفتاری و نوشتاری رایج در آن‌زمان است و ادبیات به‌کار

اهل تتبع و پژوهش می‌دانند که افزون بر کتب عربی تعدادی نوشته فارسی نیز از جناب آخوند باقی مانده است؛ متونی همچون کتاب «ذخیره العباد لیوم المعاد» که رساله عملیه ایشان به زبان فارسی بوده است و چند متن تلگراف از سوی ایشان و... لذا فقط کافی است متن گزارش ادعایی از گفت‌وگوی آخوند با این متون مقایسه شود تا روشن شود تفاوت از کجا تا به کجاست

رفته در متن گزارش ادعایی همچون بعضی اشکالات موجود در آن به‌شکل معناداری به‌روز است.

چهبسا کسی بگوید:

این گزارش نقل به‌معنا است و لذا ادبیات آن، امروزی می‌باشد.

در پاسخ می‌گوییم:

به‌لحاظ فنی، چنین امری - نقل به‌معنا - با متنی با این دقائق و ظرائف و مشتمل بر این همه حدیث، شعر و مثل عربی - که پیش از این اشاره کردیم - منافات دارد.

۸. با وجود همه امارات و نشانه‌هایی که بر جعلی و ساختگی بودن این گفت‌وگو و عدم امکان استناد به آن وجود دارد، اما حتی در صورت اثبات صحت صدور هم، متن این روایت نمی‌تواند مستمسک خوبی برای استشهاد و اتکا به نظر فقیه و اصولی نامداری همانند آخوند خراسانی برای ضدیت با کلیت و اصل تشکیل حکومت اسلامی - چه در زمان ظهور معصوم و چه در زمان غیبت - باشد؛ چراکه در این متن، هیچ استدلال فقهی و فنی برای نامشروع دانستن «اصل حکومت اسلامی» و در رد «ولایت فقیه به صورت کلی و کبروی» مطرح نشده است، بلکه فقط شماری از دشواری‌ها، چالش‌ها، آسیب‌ها و آفت‌هایی که حکومت دینی - اعم از حکومتی که در رأس آن پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) قرار داشته باشند یا فقیه - فهرست شده‌اند. طبیعتاً هر امری، به‌خصوص امری تشریحی که به‌نوعی به بشر، به‌عنوان موجودی دارای اختیار و به‌جامعه بشری - که مجمع اضداد و ساحت بروز و اعمال علایق، سلاقی، اغراض، گیرش‌ها و گرایش‌های متکثر، پراکنده و گوناگون است - مربوط باشد، ولو آنکه از بهترین و ارزشمندترین امور هم باشد، ممکن است در مقام اجرا و عملیاتی ساختن با آسیب‌ها و آفت‌هایی مواجه شود که باید حتی‌الامکان به‌قدر مقدور و طبق قاعده‌المیسور تمهیداتی اندیشید و کار را به‌گونه‌ای مدیریت کرد و

پیش برد که این آسیب‌ها و آفت‌ها کمتر شوند و به حداقل برسند، نه آنکه با دیدن مشکلات یا حتی با احتمال بروز آفات، دست از انجام وظیفه و پی‌گیری هدف برداریم و کلاً از خیر آن بگذریم که گفته‌اند:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به‌قدر تشنگی باید چشید

همان‌گونه که در کتاب «فلسفه فقه الحکومه» نیز متذکر شده‌ایم، عالم عظیم الشان، آیتا... میرزا محمدحسین غروی نائینی، معروف به میرزای نائینی در کتاب «تنبیه الأمة و تنزیه الملة» با تأکید بر این حقیقت که حکومت مشروطه مطلوب کامل نیست اما در عین حال با استناد به قاعده فقهی «المیسور لایسقط بالمعسور» که با تعبیر «ما لایدرک کله لایترک کله» نیز از آن یاد می‌شود، مشروطیت را که با نظارت استصوابی فقها همراه باشد به‌عنوان میزان قابل دستیابی و قدر مقدور و میسور در آن مقطع تاریخی، مورد قبول و تأیید علما معرفی می‌کند و در دفاع از آن می‌گوید:

... ربانیین فقها، روحانیین، روسای مذهب جعفری - علی مشیده افضل الصلاة والسلام - هم در استنفاذ حریت و حقوق مقصوبه مسلمین و تخلیص رقاب‌شان از ذل رقیت و اسارت جائزین، همان همت مجدانه را مطابق همان سیره مقدسه مبارکه می‌دول و بر طبق دستور مقرر در شریعت مطهره که «ما لایدرک کله لایترک کله» در تحویل سلطنت جائره غاصبه از نحوه اولی - که علاوه بر تمام خرابی‌های عیانیه، اصل دولت اسلامیه را هم به انقراض عاجل مشرف کرده است - به نحوه ثانیه که حاسم اکثر (و نه تمام) مواد فساد و مانع استیلای کفره بر بلاد است، بذل مهجه و مجاهدت لازمه در حفظ بیضه اسلام را مصروف فرموده و می‌فرماید...^(۱۵)

همچنین وی در جای دیگری ضمن تأکید بر این نکته که هر کسی غیر از فقیه - که نایب عام امام زمان (عج) در عصر غیبت است - در جایگاه سلطنت و حکومت قرار گیرد، سلطان